پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰، صص ۹۹ – ۶۹

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۱۰۱۰۴

رویکردهای دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق پس از سقوط صدام

پریسا پورعلی[۱]
محمدرضا دهشیری[۲]
محمدرضا قائدی[۳]
حسن خداوردی[٤]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۷

چکیده

موضوع دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در عراق، پدیده‌ای هم‌زاد انقلاب اسلامی است که با جنگ ۲۰۰۳ در عراق، به رهبری ائتلاف تحت کنترل آمریکا، به شکل افقی و عمودی توسعه یافت و بسترهای تازه‌ای از سرریزی روابط و پیوندهای فرهنگی را بارآورد. تا حدی که دیگر نمی‌توان از یک دیپلماسی فرهنگی تک‌بعدی سخن گفت و عرصه‌ها و بسترهای آن به حدی از نفوذ رسیده است که جمهوری اسلامی را به عامل کلیدی در روند کلی تحولات سیاسی ـ امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عراق بدل نموده است. در چارچوب این موضوع سوال مقاله‌ی حاضر این است که «شاخصه های دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق پس از سقوط صدام مبتنی بر چه رویکردی بوده است؟» یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که ایران در تولید یک فضای کلان برای دیپلماسی فرهنگی در خصوص عراق، مبتنی بر واقعیت‌های قومی ـ مذهبی آن تلاش دارد با بهره‌گیری از رویکرد ایران‌شهری بر جامعه‌ی کردی و نیز با بهره‌گیری از گفتمان کلان پیوندهای تاریخی با اعراب به شکل کلی و اشتراکات فرهنگی ـ مذهبی با شیعیان به شکل خاص، و رویکرد محور مقاومت به توسعه‌ی نفوذ دیپلماسی فرهنگی خود بپردازد. به منظور تحلیل مباحث مذکور در ابتدا تلاش خواهد شد تا خوانشی تاریخی از تحولات پس از ۲۰۰۳ تا به امروز از روابط ایران و عراق و شیوه‌های نفوذ ایران را مطرح نموده که به شکل پیدا و پنهان چگونگی بهره‌گیری جمهوری اسلامی از وزنه اکثریت شیعی عراق و نیز اشتراکات هویتی ایرانی ـ کردی را برای پیش‌برد نفوذ کشور در عراق در بعد فرهنگی به نمایش می‌گذارد. در ادامه پیوندهای دیپلماسی فرهنگی ایران با کردها در عراق، بر مبنای محوریت منطق دیپلماسی فرهنگی ایران‌شهری مورد بحث قرار داده و سویه‌های اصلی ابعاد این دیپلماسی که توانسته اذهان کردها را معطوف خود کند، مورد واکاوی قرار خواهد گرفت تا نشان داده شود که ایران در حوزه دیپلماسی فرهنگی، چه خودآگاه و چه ناخودآگاه در مسیر رویکرد ایران‌شهری فرهنگی نسبت به کردها پیش رفته است. در بخشی دیگر و به شکل مبسوط بر بحث از روابط ایران با مناطق دیگر عراق و حکومت مرکزی آن، شیعیان و نیز سنی‌ها از مسیر دیپلماسی فرهنگی و تمرکز بر قدرت نرم نفوذ ایران در عراق پرداخته می‌شود. در این بخش، کارکرد اشتراکات فرهنگی، تاریخی و مذهبی، با تمرکز بر دیپلماسی فرهنگی مذهبی، رسانه‌ای و ... مورد واکاوی قرار می‌گیرد که چگونه بهره‌گیری از گفتمان کلان پیوندهای تاریخی با اعراب به شکل کلی و اشتراکات فرهنگی ـ مذهبی با شیعیان به شکل خاص، و رویکرد محور مقاومت باعث توسعه‌ی نفوذ دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق شده است.
روش تحقیق در این مقاله، بر مبنای پژوهش کیفی مورد محور و مبتنی بر روش کتاب‌خانه‌ای با جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات است.

واژه‌های کلیدی: دیپلماسی فرهنگی، محور مقاومت، ایران‌شهری، کردها.

۱. دانشجوی دکتری گروه روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌الملل کیش، جزیره کیش، ایران
ppourali@yahoo.com
۲.استاد مدعو گروه روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌الملل کیش،جزیره کیش، ایران (نویسنده مسئول)
mohammadreza_dehshiri@yahoo.com
۳. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، شیراز، ایران ghaedi1352@gmail.com
٤. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران
h_khodaverdi@azad.ac.ir

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

مقدمه

بدون تردید، در سال‌های بعد از ۲۰۰۳ عراق به مهمترین همسایه ایران در عرصه سیاست خارجی تبدیل شد. از یک سو اهمیت این کشور از نظر امنیتی موجب شد که تهران با نگاهی ویژه به کنش‌های دولت عراق نگاه کند و از سوی دیگر، عراق با دارا بودن اکثریت جمعیت شیعه و قرارگرفتن اماکن مذهبی شیعیان در آن، برای جمهوری اسلامی ایران در بعد فرهنگی و هویتی اهمیتی فوق العاده دارد. فارغ از این مسائل، تحولات کشور عراق در سال ۲۰۰۳، مجالی نو را پیش‌روی سیاست خارجی ایران قرار داد تا بتواند دیپلماسی فعال‌تری را در قبال بغداد اتخاذ کند. بر همین اساس نیز، تهران توجه خاصی را به ساختار قدرت کشور عراق یعنی حکومت مرکزی و حکومت اقلیم کردستان معطوف کرده است.

عراق بعد از ۲۰۰۳، افزون بر مؤلفه تأثیرگذار پیوستگی‌های فرهنگی، به کانونی برای افزایش عمق استراتژیک قدرت ایران در منطقه غرب آسیا تبدیل شد. جمهوری اسلامی ایران در مقام رهبر محور مقاومت، برای پیشبرد راهبرد منطقه‌ای خود به شدت نیازمند حضور فعال در عراق و بهره‌گیری از نفوذ خود در این کشور به عنوان کریدور اتصال به نیروهای تحت حمایت خود در لبنان و فلسطین بود. به ویژه پس از آغاز بحران سوریه در سال‌های بعد از ۲۰۱۱، عراق به عنوان حلقه ارتباطی ایران با دمشق اهمیت بیشتری پیدا کرد. بنابراین حضور ایران در عراق و تداوم نقش ویژه در این کشور، به عنوان مساله‌ای محوری در سیاست خارجی تهران مطرح است(al-Khoei, 2013:41-44).

با وجود زمینه‌های فرهنگی مشترک در عراق، اما چگونگی پیشبرد برنامه‌ها در حوزه دیپلماسی فرهنگی در عراق کم‌تر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در همین راستا، مقاله حاضر این مساله مهم را بررسی می نماید که « شاخصه های دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق طی سال‌های پس از ۲۰۰۳ مبتنی بر چه رویکردی بوده است؟» فرضیه‌ی حاصل از این مقاله نیز به این صورت است که «جمهوری اسلامی ایران تلاش نموده است تا با برسازی یک فضای گفتمانی دیپلماسی فرهنگی مبتنی بر رویکرد ایران‌شهری، محور مقاومت و شیعه گری به نفوذ فرهنگی در عراق بپردازد».

۱. چارچوب نظری

در بخش چارچوب نظری، مقاله‌ی حاضر تلاش دارد تا یک الگوی تلفیقی را از روندهای کلی نظری سازه‌انگاری و تحلیل گفتمان، بر مبنای رویکرد این دو نظریه‌ی انتقادی به موضوع دیپلماسی فرهنگی برسازد.

منظور از دیپلماسی فرهنگی، تلاش برای درک، مطلع ساختن، مشارکت دادن و تأثیر گذاردن بر فرهنگ

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

مردم دیگر کشورهاست. دیپلماسی فرهنگی در واقع تأمین منافع ملی با استفاده از ابزارهای فرهنگی است. روایت داستان یک تمدن برای صاحبان سایر تمدن‌ها با استفاده از ابزارهایی از جنس همان تمدن است. به عبارت دیگر، دیپلماسی فرهنگی، آنگاه معنا و مفهوم واقعی خود را پیدا می کند که کشوری برای انتقال غنای نهفته در فرهنگ و تمدن خود با استفاده از مکانیسم ها و ابزارهایی از همان جنس به معرفی و انتقال آن به سایر ملل پرداخته و آن را در سیاست خارجی خود لحاظ نماید(حسن خانی، ۱۳۸۶: ۲۲۷).

دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از ابزارهای سیاست خارجی، عبارت است از اقدامات از پیش طراحی‌شده و سازمان‌یافته برای تأثیرگذاری بر برداشت‌ها، ادراکات، افکار، انگاره‌ها، ایده‌آل‌ها، ارزش‌ها، ایستارها و باورهای سایر ملت‌ها از طریق تبیین و ترویج فرهنگ و تمدن ایرانی و شناخت و درک واقعی فرهنگ‌های دیگر به منظور تأمین و توسعه منافع ملی. از این‌رو، دیپلماسی فرهنگی متضمن و مستلزم تبیین، ترویج، معرفی و گسترش مؤلفه‌ها و عناصر، ارزش‌ها و ابعاد فرهنگ و تمدن ایرانی ـ اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی از طریق به‌کارگیری ابزارهای فرهنگی است(دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

ایران با بهره‌گیری از ابزارهای قدرت نرم اعم از اشتراکات مذهبی، زبانی، تمدنی، قومیتی و مناسبات اقتصادی و... سعی کرده است مقاومت و استقلال را طوری به تصویر بکشد که از مرزهای قومیتی فراتر رود. با توجه به این که انقلاب اسلامی ایران ماهیتی ایدئولوژیک و فرهنگی داشته و بر مبانی و عناصر فرهنگی استوار بوده و این ویژگی منحصر به فرد در اصول، بنیادها و مفاهیم اساسی سیاست خارجی نیز نمود یافته است، برسازی دیپلماسی فرهنگی آن به شکل بین‌الاذهانی، و وابسته به فهم اصول و مؤلفه‌های آن است. در نتیجه، آنچه جمهوری اسلامی ایران به عنوان کرامت انسانی، عدالت‌خواهی، نفی نظام سلطه، گفت وگوی تمدن‌ها، جهان عاری از خشونت و تعامل و همکاری مؤثر و سازنده با جهان خارج مطرح کرده، در واقع گفتمان سیاسی است که بر مبانی فرهنگی سیاست خارجی آن استوار است(درخشه و اسمائیلی، ۱۳۹۶: ۳۲).

اما دیپلماسی فرهنگی چه جایگاهی در سازه‌انگاری و تحلیل گفتمان دارد؟

۱ـ۱. سازه‌انگاری

بسیاری از سازه‌انگاران با مبنا قراردادن مفاهیمی چون؛ اهداف، تهدید، ترس، فرهنگ، هویت و سایر عناصر به‌عنوان واقعیت‌های اجتماعی، روابط بین‌الملل را تحلیل می‌کنند. عنصر اصلی سازه‌انگاری باور

فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

بر این اصل است که «سیاست بین‌الملل با ایده‌های اقناع‌آمیز، ارزش‌های جمعی، فرهنگ و هویت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد». سازه‌انگاری استدلال می‌کند که تحولات بین‌المللی توسط ساختارهای شناختی ساخته‌شده است که به جهان مادی معنی می‌دهند(Emmanuel, 1997: 319).

دیپلماسی و فرهنگ در این نظریه از پیوند محکمی برخوردارند، که اهمیت قدرت نرم، قدرت اعمال نفوذ از طریق نیروی ایده‌ها، نهادها، ارزشها و فرهنگ را برجسته کرده است. در چارچوب رابطه دیپلماسی و فرهنگ در سازه‌انگاری می‌توان گفت؛ دولت‌ها همواره از فرهنگ خود برای انتقال ارزش‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی استفاده کرده‌اند، اما دیپلماسی و فرهنگ، به شکل یک رویکرد خاص، مورد غفلت در تصمیم‌گیری سیاست خارجی کشورها بوده است. دلیل این امر را می‌توان در گفته سیمون مارک یافت که می‌گوید، دلایل مختلفی وجود دارد که چرا دیپلماسی فرهنگی توجه کمتر تصمیم‌گیران سیاست خارجی را به خود جلب کرده است. یک مشکل قضاوت در مورد کارآیی و تأثیر واقعی آن است. مسئله دیگر عدم درک صحیح از آنچه واقعاً دیپلماسی فرهنگی را شکل می‌دهد و آنچه برای دولت‌ها و منافع ملی آنها در قالب برداشت ساخت اجتماعی واقعیت در پی دارد(Mark, 2009: 51).

اگر کسی دیپلماسی فرهنگی را از طریق گسترش ایده‌ها، ارزش‌ها و اعتقادات درک کند، چارچوب سازه‌انگاری آن را به‌عنوان شکلی از تأثیرپذیری متقابل می‌بیند، که می‌تواند هم بر عاملان و هم برای بازیگران روابط بین‌الملل اعمال شود. منابع غیرمادی به عناصر اصلی تبدیل‌شده‌اند که نگرش و عملکرد بازیگران را شکل می‌دهد. هویت با ایده‌ها و ارزش‌هایی ساخته می‌شود که اگر به نظر مخاطبان خارجی جذاب باشد، ممکن است چهره بین‌المللی مثبتی از یک کشور ایجاد کند. در اینجا، تصویر، برآیندی از دیدگاه‌های ذهنی در مورد جذابیت زبان، فرهنگ، هنجارها، ایده‌ها و ارزش‌های منتسب به یک بازیگر معین است. در چنین رویکردی، دیپلماسی فرهنگی، مستقیماً هویت افرادی را نشان می‌دهد که نماینده آن هستند. در مجموع، استدلال می شود که از منظر نگره هویتی در روابط بین‌الملل، سیاست‌ها، تصویر و دیپلماسی فرهنگی همه به هم مرتبط هستند. از نظر سازه‌انگاری، هویت اجتماعی نه تنها بر جایگاه یك کشور در جوامع بیرونی تأثیر می‌گذارد، بلکه از نگرش‌های مشترك خود شهروندان یک کشور نیز ناشی می‌شود(Guzzini, 2000: 196).

دلایل استفاده از نظریه سازه‌انگاری در موضوع دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق را می‌توان در چند فاکتور کلیدی برشمرد: نخست، در این مقاله بر آنیم که دیپلماسی فرهنگی پیش و بیش از هر چیزی مبتنی بر یک رویکرد بین‌الاذهانی میان دو نفر، دو گروه یا دو دولت است، امری که در نظریه سازه‌انگاری نیز

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

مورد تأکید قرار گرفته است. دوم، دیپلماسی فرهنگی تأکید و تمرکز زیادی بر مفاهیم، نگره‌ها و روابط هویتی دارد که بن‌مایه پیوندهای فرهنگی را در چارچوب اشتراکات هویتی ـ فرهنگی شکل می‌دهد. مساله هویت نیز در سازه‌انگاری با وجود اشتراک ذهنی و فرهنگی عامل کلیدی در شکل‌گیری پیوندهای مرتبط با دیپلماسی فرهنگی است. سوم، سازه‌انگاری در چارچوب سه‌رویکرد خود، یا بر روابط مبتنی بر دولت و دولت‌ها، یا نظام بین‌المللی یا تلفیق دولت ـ نظام بین‌المللی تمرکز دارد، بدین معنا که در سطوح تحلیل متفاوت قابلیت بحث و بررسی مباحث را دارا است. امری که در خصوص دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق فضا و شرایط تحلیل را فراهم می‌نماید.

۱-۲. تحلیل گفتمان

«تحلیل گفتمان[1] نه یک رویکرد واحد، بلکه مجموعه‌ای از رویکردهای میان رشته‌ای است که می‌توان از آن‌ها در انواع گوناگون مطالعه‌ها و برای کندوکاو در قلمروهای مختلف اجتماعی استفاده کرد. در معنای فنی‌تر خود به مجموعهٔ بی‌طرفی از ابزارهای روش‌شناسی برای تحلیل کلام‌ها[2]، نوشته‌ها، مصاحبه‌ها، مباحثات[3] و غیره اشاره دارد(مارش و استوکر، ۱۳۸۸: ۱۹۶). تحلیل گفتمان در بستر سیاسی آن، به بحث و گفت‌وگو در حوزه‌ی سیاسی (مانند مباحثه، گفتار و شنیده‌ها) می‌پردازد. در واقع گفتمان سیاسی عبارت است از مبادله‌ی رسمی دیدگاه‌های استدلالی که می‌خواهد برای حل یک مشکل اجتماعی از مسیرهای بدیل استفاده شود. تجزیه و تحلیل سیاست نیازمند تحلیل گفتمان از دیدگاه پسااثبات‌گرایانه است(Stanton, Deoksoon and Stephen, 2017 and Hult, 2015: 217).

از دیدگاه لاکلائو و موفه، سیاست و امور اجتماعی را می‌توان به مثابه ساخت‌هایی گفتمانی فهم کرد و از این جهت آن‌ها معتقد هستند که سیاست مانند هر عمل و پدیده دیگری نیازمند گفتمانی‌شدن است تا قابل فهم و معنادار گردد. پس هیچ امر سیاسی به خودی خود دارای هویت نیست. به این ترتیب این برداشت از گفتمان به نوبه خود با مساله هویت ارتباط می‌یابد(هوارث، ۱۳۷۷: ۱۶۲).

از منظر دیپلماسی فرهنگی در چارچوب تحلیل گفتمان، الیور اشمیت با در نظر گرفتن یک دیدگاه سازنده، اصرار داشت که یک بعد فرهنگی برای سیاست خارجی وجود دارد که می توان آن را "ابزاری برای دیپلماسی" قلمداد کرد، زیرا می‌توان آن را «برای دستیابی به اهداف یک دولت از طریق فرایند سیاست

1. Discourse Analysis
2. Speeches
3. Conversations

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

خارجی» استفاده کرد. فرهنگ در دیپلماسی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای سیاست خارجی، شامل جنبه‌هایی از ادبیات، فیلم‌ها، موسیقی و سایر محصولات فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد (Schmidt, ۲۰۰۳: ۱۷۷) از طرف دیگر، هادسن، رویکرد متفاوتی به نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل، از منظر تحلیل پسا اثبات‌گرایی با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمانی در نظریه‌ی سازه‌انگاری ارائه می‌دهد. هادسن با استفاده از چشم اندازهای تحلیل سیاست خارجی، ارتباط قاطع فرهنگ و روابط بین‌الملل را مورد بررسی قرار می‌دهد و معتقد است که بحث علمی در مورد فرهنگ عمدتاً به دلیل سیاست قدرت مورد غفلت واقع شده است. از دید او، فرهنگ نقش مهمی در سیاست خارجی ایفا می‌کند، زیرا اغلب برای توصیف آنچه نمی‌توان به‌راحتی توضیح داد یا برای توصیف و پیش‌بینی اقدامات سیاسی آینده استفاده می‌شود. این امر نیاز به مطالعه فرهنگ به‌عنوان یک ابزار سیاسی و درک فرهنگ به‌منظور تصمیم‌گیری و پیش‌بینی اثرات راهبردهای دیپلماتیک دارد (Hudson, 2007). به همین منظور، دو نظریه‌ی مورد استفاده در این مقاله، در راستای تبدیل دیپلماسی فرهنگی به دال مرکزی تحلیل رفتار ایران در منطقه مورد کاربست قرار خواهند گرفت. با عنایت به آنچه گفته شد، ضروری است توجه شود که در رویکرد دیپلماسی فرهنگی، صرفاً به کارکرد پیوندی میان فرهنگ و دیپلماسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه توجه نمی‌شود، بلکه تلاش بر اعمال نقش فرهنگ در دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی امنیتی، دیپلماسی سیاسی و پیوندهای اجتماعی است. به عبارت بهتر، مادامی که فرهنگ و رویکرد تلفیقی به عنوان عنصر کانونی یا دال مرکزی تحلیل مورد بحث قرار می‌گیرد، تمام حوزه‌های پیشینی و پسینی دیپلماسی ایران در منطقه را تحت تأثیر مستقیم قرار می‌دهد.

در چارچوب آنچه گفته شد، در این نظریات، ویژگی‌های مشترک زیادی وجود دارد که با ادغام آنها در یک چارچوب تلفیقی و بهره‌گیری از وجوه تمایزشان برای تکمیل بسترهای ضروری جهت مطالعه دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق می‌توان شالوده یک رویکرد نوین را برای فهم این نوع از سیاست خارجی در غرب آسیا فراهم آورد. مولفه‌های کلیدی چارچوب تلفیقی مفهومی ـ نظری استخراجی به شکل روبرو است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

۲. نگاهی به روند توسعه‌ی روابط ایران و عراق پس از ۲۰۰۳

بعد از سقوط سریع بغداد در همان هفته‌های اول، مقامات ایران احساس خطر کردند. چرا که ایران خود را در محاصره آمریکا می‌دید و برخی از رهبران آمریکایی نیز اظهاراتی دال بر سیاست تغییر رژیم در ایران مطرح نمودند (منتی و هادیان، پاییز و زمستان ۱۳۹۸: ۱۴۴-۱۴۵). با این وجود، به‌تدریج این تهدید برای ایران کاهش یافت و نیز زمینه را برای نفوذ ایران در عراق فراهم نمود. پس از سقوط صدام حسین در ۲۰۰۳، جمهوری اسلامی ایران تلاش داشت تا از طریق کار با احزاب شیعه و کرد، در جهت ایجاد یک دولت تحت نفوذ شیعیان، بر سیاست‌های عراق اعمال نفوذ کند. هم‌چنین، تهران از گروه‌ها و میلیشیاهای شیعه حمایت نموده و قدرت نرم خود را در حوزه‌های اقتصادی، مذهبی و اطلاعاتی ارتقاء داد. (Eisenstadt, 2015: 2).

در سال‌های نخستین پس از جنگ ۲۰۰۳، با برگزاری موفق همه‌پرسی قانون اساسی و نیز امید عراقی‌ها برای داشتن یک سیستم سیاسی نوین، فدرال و دموکراتیک، جمهوری اسلامی ایران نیز به استقبال خواست مردم عراق رفت. وزیر خارجه‌ی ایران ضمن استقبال از انتخابات ماه ژانویه ۲۰۰۵ اعلام کرد که ایران «از خواسته‌ی شهروندان عراقی برای روی‌کارآمدن یک دولت دموکراتیک و زندگی موفق در سایه‌ی یک ملت واحد و امید برقراری روابطی صلح‌آمیز با همسایگانش حمایت می‌کند»، عراقی کاملاً مستقل در منطقه‌ای باثبات و آرام، با دولت‌های دموکراتیک (چامسکی، ۱۳۸۹: ۲۶۱). با عنایت به مسائلی از همین دست و نیز روابط تاریخی، اشتراکات فرهنگی، حمایت ایران از گروه‌های عراقی، خصوصاً شیعیان و کردها زمینه برای گسترش روابط میان دو کشور فراهم شد.

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

در ملاقاتی رسمی که در سال ۲۰۰۵ میان وزیر دفاع عراق و همتای ایرانی آن رخ داد، دو کشور فصل تازه‌ای از روابط را آغاز کردند که این رابطه شامل همکاری‌های نظامی میان مرزی، مساعدت ایران در آموزش و رشد نیروهای مسلح عراق بود و هم‌چنین برکناری مشاوران ائتلاف ـ آمریکا، حرکتی بود که باعث شگفت‌زدگی آمریکا شد. همبستگی روزافزون عراق با ایران از همین دوران کاملاً مشهود بود (چامسکی، ۱۳۸۹: ۲۹۲). مقامات آمریکایی که از نفوذ ایران در عراق ناخشنود بودند، به‌طور مداوم ایران را به حمایت از شبه نظامیان و دامن زدن به بی‌ثباتی و مشارکت در حمله به نیروهای ائتلاف و آمریکا متهم می‌-ساختند. چنان که در گزارش ۲۵ اکتبر ۲۰۰۷ وزارت خزانه‌داری آمریکا بیان داشت: «نیروهای سپاه قدس تأمین‌کننده حمایت مرگباری در شکل تسلیحات، آموزش، منابع مالی و هدایت گروه‌های خاصی از شبه نظامیان شیعه عراقی هستند؛ کسانی که نیروهای عراقی، ائتلاف و مردم مدنی بی‌گناه را مورد هدف و به قتل می‌رسانند» (Alfone, 2017). و از همین دوران، ایران به ساخت روابط دیپلماتیک، اقتصادی، سیاسی ـ نظامی، در چارچوب تمرکز بر دیپلماسی فرهنگی با عراق اقدام نمود و به این کشور نفوذی غیرقابل تصور کرد. (منظور دور از تصور آمریکا، اروپا و کشورهای عرب حاشیه‌ی خلیج فارس)

بنابر گزارش‌ها، نفوذ ایران در عراق از طریق انتخابات پارلمانی ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ و انتخابات استان‌ها در ۲۰۰۹، با مشاوره به کاندیداهای مرجح خود انجام می‌شد. سپهبد قاسم سلیمانی، فرمانده نیروهای قدس نقش کلیدی‌ای در مذاکرات برای تشکیل حکومت در ۲۰۰۵، بازی کرد. او هم‌چنین برای آتش‌بس میان شورای عالی انقلاب اسلامی و ارتش مهدی[1] در ۲۰۰۷، و بین حکومت و ارتش مهدی در ۲۰۰۸، میانجی‌گری نمود. ایران در ترغیب شورای عالی انقلاب اسلامی، دعوه و صدریست‌ها برای شرکت در انتخابات ۲۰۱۰، به شکل یک بلوک متحد، تا حدودی ناموفق بود. پس از انتخابات ۲۰۱۰، رئیس مجلس ایران؛ علی لاریجانی، این احزاب را به تشکیل یک حکومت ائتلافی ترغیب نمود. با وجود تلاش‌های فراوان، ایران نقش کمتری در روند تشکیل حکومت، متعاقب انتخابات ۲۰۱۴، بازی کرد. چرا که، کاندیدای مورد نظر ایران برای نخست‌وزیری، نوری المالکی بود، که با حیدر عبادی به درخواست آمریکا و مهم‌تر از آن آیت‌الله علی سیستانی[2]، عوض شد. علی شمخانی؛ دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، پس از آن نقش برجسته‌ای در روند تشکیل حکومت بازی کرد. ایران هم‌چنین به عراق چون مسیری برای کاهش آثار تحریم‌های بین‌المللی در دوران سخت تحریم‌ها نگریسته است. در جولای ۲۰۱۲، وزارت

1. Mahdi Army
2. Ayatollah Ali Sistani

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

خزانه‌داری آمریکا تحریم‌هایی را بر بانک اسلامی ایلاف[1] عراق؛ به‌واسطه‌ی روابط چشم‌گیر معاملات مالی با سیستم بانکی ایران در نقض تحریم‌های جامع ایران، تحمیل نمود (Katzman, 2015: 35). امروزه نیز عراق ذیل فشار دولت ترامپ برای خلاصی از وابستگی به ایران و نیز تلاش برای رهیدن از هرگونه دورزدن تحریم‌ها به نفع ایران قرار دارد. هرچند شدت وابستگی عراق به ایران، خصوصاً در بخش برق و آب، عاملی است که آمریکا را وادار به تعامل با این روابط خواهد کرد. در عین حال، مرزهای غیررسمی و رسمی اقلیم کردستان عراق و نیز دلارهای سلیمانیه یکی از راه‌های کلیدی دورزدن تحریم‌های آمریکا در وضعیت جاری است.

در تداوم این روابط، ظهور داعش در عراق، فرصت مغتنمی در دست ایران بود که بتواند دایره و شعاع نفوذ خود در عراق را در ابعاد سخت و نرم گسترش دهد. نفوذ ایران در عراق پس از ظهور داعش و شکل‌گیری بحران جنگ داخلی در عراق بیشتر شد، چرا که دولت عراق در این دوره احساس نیاز فوری به حمایت نظامی، تدارکاتی و مشاوره‌ای در جهت مقابله با داعش می‌نمود. اهرم نفوذ ایران بر عراق از نیمه‌ی ۲۰۱۴، در نتیجه‌ی همکاری نظامی ایران با حکومت عراق علیه داعش افزایش پیدا کرد (Moore, 5 March 2015). بر اساس گزارش‌ها، ایران بیش از ۱۰۰۰ مشاور از شاخه‌ی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را برای کمک به نیروهای امنیتی عراق فرستاده است. نقش نیروهای سپاه قدس بازفعال نمودن، تسلیح و آموزش نیروهای نظامی شیعی تاسیس‌شده در عراق است (Kirkpatrick, Jan. 4, 2020). سرتیپ مسعود جزایری اظهار داشت که ایران توانست با بسیج توده‌ای همه اقوام به بهترین وجه به عراق کمک کند (Daily Telegraph, 1 October 2014). نقش مهم ایران در حفاظت از تمامیت ارضی عراق در جریان مسأله استقلال‌خواهی کردستان هم، نه تنها نیروهای سیاسی دوست ایران را در عرصه سیاسی این کشور تقویت کرد، بلکه ایران را به متحدی استراتژیک و قابل اتکا برای دولت بغداد تبدیل ساخت.

ایران هم‌چنین برای بغداد مقادیر قابل توجهی تجهیزات نظامی شامل ۵ تا ۷ هواپیمای جنگی؛ پرواز هواپیماهای بدون‌سرنشین بر فراز عراق، انجام حداقل یک حمله مستقیم علیه نیروهای داعش (دسامبر ۲۰۱۴)، در نزدیکی مرزهای ایران را تدارک دیده است. رهبران اقلیم کردستان عراق نیز تهران را به‌واسطه‌ی ارائه‌ی تجهیزات نظامی به نیروهای پیشمرگه پس از حمله‌ی بزرگ داعش به شمال عراق در آغاز نیمه‌ی دوم ۲۰۱۴، ستایش می‌کنند. کمک‌های نظامی ایران به عراق افزون بر آن هدف کلی است که آمریکا در عراق برای مقابله با داعش می‌جوید، اما مقامات رسمی ایالات متحده می‌گویند که هیچ هماهنگی میان

1. Elaf Islamic Bank

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

آمریکا و ایران در عراق وجود ندارد (Eisenstadt, Knights and Ali, 2011, 2011). البته باید گفت، با پیشروی داعش و زمزمه‌های حمله به بغداد، لحن مقامات ایرانی و نگرانی‌های آن‌ها از به‌قدرت‌رسیدن دوباره گروه‌های جهادی در عراق با همکاری بعثی‌ها یا تجزیه این کشور بیشتر شد.

بعد از حمله داعش به چند شهر کردها از جمله شنگال و به خطر افتادن پایتخت اقلیم کردستان (اربیل) تصمیم به جنگ با داعش را با تمام قوا اتخاذ کردند. ایران اولین کشوری بود که جهت مبارزه با داعش به حکومت اقلیم کردستان بنا به گفته «مسعود بارزانی» کمک تسلیحاتی کرد(Geranmayeh, ۲۰۱۴). این یاری، تا به امروز نیز به یک موضوع و وزنه‌ی مهم در دستان ایران در مواجهه با اقلیم کردستان عراق و نیز رهبران آن بدل شده است.

حمایت ایران از نیروهای نظامی و شبه‌نظامی عراقی در مقابله با داعش، نقش مهمی در تقویت این نیروها داشته است. نیروهای ایرانی با حمایت از نیروهای نظامی و شبه‌نظامی عراقی از مراکز دینی شیعی و شهرهای اطراف آن‌ها پاسداری نموده و تروریست‌ها را از شهرهای مهمی چون تکریت در سال ۲۰۱۵ (Wood, September 14, 2015) و موصل در سال ۲۰۱۷ عقب راندند. بنابراین، سیاست‌های تهران در عراق به‌طور چشم‌گیر، سطح غیرقابل‌پیش بینی از نفوذ را در این کشور داشته است (Kagan, Majid-yar and Pletka: 2012). نفوذ این نیروها در فضای سیاسی ـ امنیتی و اجتماعی عراق به حدی است که حتا نخست وزیر، پارلمان و ریاست‌جمهوری عراق نیز به سهولت قادر به مقابله با آنها نیستند، بلکه این نیروها هستند که به روندهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی عراق تاثیر می‌گذارند.

بعد از انتخابات سال ۲۰۱۸ و روی کار آمدن دولت عادل «عبدالمهدی» نیز این همکاری‌ها در سطوح بسیار عالی ادامه پیدا کرد؛ به طوری که حسن روحانی رئیس جمهوری ایران در شرایط پس از خروج امریکا از برجام و اعمال تحریم‌های شدید علیه ایران، در ۲۲ اسفند ۹۷ سفر سه روزه خود به عراق را به پایان رساند. سفر رئیس‌جمهور به یکی از مهم‌ترین همسایه‌های ایران موجب تحکیم روابط دوجانبه درحوزه‌های مختلفی از روابط سیاسی گرفته تا مناسبات اقتصادی و از ارتباطات فرهنگی گرفته تا پیوندهای اجتماعی شد. این سفر نقطه اوج توسعه روابط دوجانبه به حساب می‌آید و آمریکا و عربستان با وجود تلاش‌های زیاد نتوانستند نفوذ ایران در منطقه به خصوص در عراق را کاهش دهند(منتی و هادیان، پاییز و زمستان ۱۳۹۸: ۱۵۴). این روند پس از برکناری عبدالمهدی و قدرت‌گیری کاظمی نیز ادامه یافته و به انحای مختلف با وجود انتقادات داخلی به حضور ایران در عراق، اما به‌واسطه‌ی قدرت و نفوذ بخش بزرگی از شیعیان عراق و حشدشعبی تداوم داشته است.

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

۳ـ دیپلماسی فرهنگی ایران نسبت به کردهای عراق

با عنایت به تنوع قومی عراق، یکی از گروه‌های کلیدی اجتماعی ـ سیاسی در عراق، که دارای جایگاه ویژه‌ای در عرصه‌ی سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای هستند، کردها می‌باشند. بر همین اساس، ایده‌ی اصلی این بخش از مقاله، بر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در قبال کردها در عراق اختصاص دارد که در ادامه مورد مداقه قرار خواهد گرفت.

۱-۳. دیپلماسی ایران‌شهری نسبت به کردها

در چارچوب اندیشه‌ی فرهنگی ایران‌شهری است که ریچارد کوتام در میانه‌های قرن بیستم در ارتباط با جایگاه کردها در ایران عنوان می‌کند: «ایرانی‌هایی که ارتباط عمیقی با تاریخ دارند، بسیار خوب می‌دانند که ارتباط زیادی میان تاریخ خود و تاریخ کردها وجود دارد. بر این اصل هم تاکید می‌گذارند نه تنها کردهای ایران، بلکه تمامی کردها ایرانی بوده و هستند» (عه‌بدوللا حه‌مه‌کریم، ۲۰۱۳: ۸۷). «هنري فيلد» در کتاب «مردم‌شناسي ايران» مي‌نويسد: «کردها از حيث زبان و خصوصيات جسماني، ايراني هستند و به عنوان شعبه‌اي از نژاد ايراني از حيث زبان، اخلاق، عادت و شيوه معيشت با ساير ايرانيان داراي جهات اشتراك هستند» (فیلد، ۱۳۴۳: ۵۴). ملامصطفی بارزانی یکی از رهبران سیاسی کردستان عراق بود که همواره بر تبار ایرانی کردها تأکید داشت و بر این مبناست که این عبارت درست تاریخی را بیان می‌کرد که هرجایی کردی هست آنجا ایران است. مشابه این سخنان را از زبان دیگر رهبران کرد عراقی نیز می‌توان شنید (هوشمند، ۲۴ اسفند ۱۳۹۵). برای نمونه ایرانی‌ها در سال ۱۹۱۹م خواهان الحاق ولایت موصل به ایران بودند؛ زیرا اساساً مرزی را میان خود و کردها به رسمیت نمی‌شناختند.

جدا از اشتراکات دیرینه تاریخی و فرهنگی کهن میان ایرانیان و کردهای عراق، مانند اسطوره‌ها و آئین‌هایی چون نوروز، حکومت‌های معاصر ایران نیز ارتباط خوبی با کردهای عراق داشته‌اند. پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران جمهوری اسلامی ارتباط خود با دو حزب مهم کردی عراق حزب دموکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی کردستان حفظ کرده‌است (علیجانی، ۲۵ مهر ۱۳۹۶). بر همین اساس، در بعد دیپلماسی فرهنگی، نقش نهادهای وابسته به سپاه، که قدرت زیادی در عراق و کردستان عراق دارند برجسته است. در اولین زمینه‌سازی برای برقراری روابط عمیق و استراتژیک در حوزه‌ی فرهنگی ـ امنیتی قرارگاه رمضان موسسه‌ای سیاسی وابسته به سپاه پاسداران بود که در زمان جنگ ۸ ساله ایران و عراق برای حمایت از احزاب کردی در مقابله با ارتش عراق ایجاد شده بود. ایران بعدها از طریق همین قرارگاه با عنوان دفاتر نمایندگی ایران در شهرهای دیگر اقلیم کردستان مشغول فعالیت شد. بعد از انتخابات ۱۹۹۲ در اربیل و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

در ادامه همین روند در سلیمانیه، دهوک، هاوینه‌هه‌وار صلاح‌الدین، دربندیخان دفاتر دیگری ایجاد نمود. هدف اصلی این دفاتر عبارت بود از:

۱. سازماندهی مناسبات میان احزاب کرد و ایران

۲. تشدید فعالیت‌ها بر علیه معارضان ایرانی

۳. کسب اطلاعات از شرایط داخلی عراق

۴. جمع‌آوری اطلاعات در مورد نهادهای خارجی، مدنی و فعالیت‌های کشورهای خارجی در اقلیم کردستان

۵. کمک‌های انسان‌دوستانه به‌منظور جلب افکار عمومی (محمدپور، ۱۳۸۳: ۹۷).

۶. و مهم‌تر از همه‌ی موارد فوق، توسعه‌ی دیپلماسی فرهنگی ایران در اقلیم کردستان عراق.

برای پیگیری سیاست‌های ایران در عراق و غالباً با رویکرد فرهنگی، در ابتدا «مرکز نصر» که ویژه مقابله با معارضان جمهوری اسلامی ایران در حالت کلی و مقابله با اپوزیسیون کرد مستقر در اقلیم کردستان بود ایجاد شد. این سازمان نقشی تعیین‌کننده را در روند ایجاد صلح میان جناح‌های سیاسی درگیر در جنگ داخلی اقلیم کردستان ایفا نمود. سازمان نصر در ابتدا روند برقراری صلح و آشتی میان حزب جنبش اسلامی کردستان و اتحادیه میهنی کردستان را فراهم نمود. سپس حزب سوسیال دموکرات کردستان به رهبری محمد حاجی محمود را با حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی آشتی داد. اما در مهم‌ترین فعالیت خود ریاست و مدیریت سه دور از گفتگوهای صلح میان دو حزب اصلی معارض یعنی حزب دموکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی کردستان را عهده دار شد. با تلاش‌های همین مرکز نهایتا این دو حزب توانستند موافقت‌نامه صلح را امضا نمایند (عه‌بدوللا حه‌مه کەریم، ۲۰۱۳: ۱۰۵-۱۰۲ و حاجی محمود، ۲۰۰۹: ۲۶۵-۲۶۴). ایران اگرچه به سطحی از تنش میان نیروهای داخلی اقلیم جهت پیش‌برد اهداف امنیتی ـ فرهنگی خود نیاز دارد، اما از ضرورت تداوم روابط شکننده میان این نیروها، جهت پیگیری اهداف خود به شکل مستمر نیز آگاه است.

در مجموع، بر مبنای اندیشه‌ی فرهنگی ایران‌شهری است که ریشه‌های مشترک هویتی سبب می‌شود تا نه‌تنها روابط دوجانبه گسترش یابد؛ بلکه دامنه‌ای از تلاش‌ها برای تامین منافع فرهنگی طرف مقابل که حمایت ایران از کردها در چارچوب کالبد فرهنگی است، دنبال شود. از این جهت می‌توان اظهار داشت که روابط فرهنگی میان ایران و کردها به‌طور خاص حزب اتحادیه میهنی کردستان طی چند دهه اخیر، تاثیری عمیق بر روند معادلات سیاسی اقلیم کردستان و کل عراق داشته است.

فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

۲-۳. دیپلماسی هنری، اجتماعی و رسانه ای نسبت به کردها

مهم‌ترین جنبه‌ی دیپلماسی فرهنگی ایران نسبت به کردستان عراق در چارچوب رویکرد ایران‌شهری را می‌بایست در بستر مناسبات به‌غایت تاثیرگذار هنری(موسیقی و سینما)، توریستی ـ درمانی و اجتماعی بازیافت. بر همین اساس، کردستان عراق به دلیل پیوندها و اشتراکات تاریخی، فرهنگی و زبانی، همواره مورد توجه مسئولین جمهوری اسلامی ایران قرارگرفته و کردها نیز از این فاکتور نهایت استفاده را می‌برند و دارای روابط مثبت و سازنده ای با همدیگر هستند. ایران اولین کشوری بود حکومت اقلیم کردستان عراق و فدرالیسم عراقی را مورد پذیرش قرار داد و با روی‌باز از آن استقبال نمود. همچنین، جمهوری اسلامی اقدام به برقراری روابط با اقلیم و گشایش سرکنسول‌گری در شهرهای اربیل و سلیمانیه نموده و دفاتر نمایندگی اقلیم نیز در تهران و شهرهای مرزی کشور گشوده شده است (Danilovich, ۲۰۱۷: ۹۳).این اقدام جمهوری اسلامی در میان کردهای ایران و نیز دیگر بخش‌ها نیز با استقبال مواجه شد، چرا که آنها می‌پنداشتند که ایران دیدگاه مثبتی نسبت به قدرت و جایگاه کردها در عراق داشته و در آینده این روند به توسعه‌ی روابط میان دو طرف خواهد انجامید.

در چارچوب توریستی ،میزان مسافرت‌های زیارتی، توریستی و درمانی مردم دو کشور بیش از ۳ میلیون نفر در سال است، که بخش بزرگی از آن شامل کردها می‌شود. با عنایت به جایگاه پزشکی کشور در خاورمیانه، سالانه، شمار زیادی از کردهای عراقی به شکل گردشگر درمانی به ایران وارد می‌شوند و از تخصص کشور در این زمینه بهره می‌برند. این حوزه برای کردها از اهمیت زیادی برخودار است و با تلاش کشور امکان بالقوه‌ی فراوانی را برای ورود کردها به کشور دارد. براساس آمارها، نیروی کار فصلی و دائمی ایرانی در اقلیم با عنایت به وضعیت اقتصادی کردستان از ۱۰ تا ۵۰ هزار نفر در سال ۲۰۱۳ در نوسان بوده است (بوژمهرانی و پوراسلامی، ۱۳۹۳: ۹۶). این آمارها با وجود افت و خیزهایی که داشته، اما از روند همواره افزایشی، به علت علاقه‌ی شدید مردم کرد به فرهنگ ایران حکایت دارد.

مراودات دانشگاهی، سمینارهای مشترک و مبادلات علمی و دانشجویی نیز در روابط دو طرف از اهمیت زیادی برخوردار است و مورد تاکید دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی است. دانشگاه‌های اقلیم کردستان عراق دارای توافق‌نامه‌های همکاری علمی، آموزشی و مبادله‌ی دانشجو با دانشگاه‌ها و موسسات علمی جمهوری اسلامی چون دانشگاه کردستان، کرمانشاه، ایلام، ارومیه، زنجان، فردوسی مشهد، دانشگاه صنعتی اصفهان و دانشگاه‌های تهران هستند. دانشگاه علوم پزشکی تهران نیز در سلیمانیه دفتر نمایندگی خود را گشوده است. هم‌چنین، به‌علت اشتراک زبانی و فرهنگی کردهای دو طرف، برگزاری

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

همایش‌ها و سمینارهایی برای بزرگداشت و تجلیل از چهره‌های مشهور کرد ایرانی در کردستان عراق از جذابیت زیادی برخودار است. علاوه‌بر آن، راه‌اندازی جشنواره‌های دائمی ادبی، هنری و فرهنگی در کردستان عراق و فراهم‌کردن زمینه حضور هنرمندان کرد ایرانی در برنامه‌های سالانه آنها نیز عامل روابط فرهنگی میان دو طرف است (بوژمهرانی و پوراسلامی، ۱۳۹۳: ۹۷).

در بعد دیگری از این دیپلماسی فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران از توانایی رسانه‌ای برای نفوذ در میان کردها در همه‌ی بخش‌های داخلی و خارج، خصوصاً در عراق بهره گرفته است. سایت کردپرس نماد دیپلماسی رسانه‌ای ایران در بعد روزنامه‌نگاری است. این سایت خبری ـ تحلیلی به سه زبان فارسی، کردی و انگلیسی تلاش نموده تا تحولات هر چهار بخش کردستان را پوشش داده و ذیل ادبیات سیاسی و دیپلماسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی، با تمرکز بر فرهنگ ایرانشهری تجمیع نموده و بازتولید کند. در این سایت، بخش بزرگی از تحلیل‌گران مسائل کردستان به شکل مستقیم یا غیر مستقیم در حال نوشتن در خصوص مسائل کردستان هستند و همه‌ی آن‌ها ذیل چتر فرهنگی ـ سیاسی رویکرد جمهوری اسلامی به موضوع کردها جمع شده‌اند. شخصیت‌های سیاسی هر چهار بخش کردستان نیز با این سایت در حال مصاحبه و نیز بیان آراء خود هستند و به‌نوعی آن را به‌عنوان راه اصلی ارتباط با سیاسیون ایران در فضای رسانه‌ای یافته‌اند، اما تمرکز اصلی سیاست بر کردستان عراق و ایران است. تلاش برای نگاه به مساله‌ی کرد از منظر کرد ایرانی، از مهم‌ترین شالوده‌هایی است که کردپرس بر آن بنا شده است و این باور را در میان کردها در عراق نیز ترویج می‌دهد.

کانال تلویزیونی بین‌المللی سحر کردی نیز بخش دیگری از این تلاش و بازوی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در میان کردها، خصوصاً کردهای عراق است. به‌طور کلی رسانه خود اساس دیپلماسی فرهنگی است و بهره‌گیری از آن در رساندن پیامد به انحای مختلف از اهمیت زیادی برخوردار است. لذا، جمهوری اسلامی ایران این بخش از دیپلماسی فرهنگی ایرانشهری را نیز مدنظر داشته است. عموم رسانه‌های کردی، شبکه سحر و بخش کردی آن را رسانه‌ای می‌دانند که محتوایی بر اساس پشتوانه فکری تولید می‌کند. همین عنصر شبکه سحر را از دیگر شبکه‌های رقیبش جدا می‌کند. این شبکه دارای دفاتری در اربیل و سلیمانیه نیز می‌باشد (خبرگزاری پانا؛ ۹ آبان ۱۳۹۷). جذابیت سحر و برنامه‌های آن برای مردم کرد عراقی، همچنان برگ برنده‌ی این رسانه ایرانی برای حضور مستمر در خانه‌های مخاطبانش است؛ حضوری که برغم رقبای بسیار برای شبکه سحر در آخرین نظرسنجی صورت گرفته مرکز تحقیقات صدا و سیما، رقم قابل توجه نزدیک به نیمی از مردم کردستان عراق(۴۷/۱ درصد) را جزو بینندگان این

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

شبکه به ثبت رسانده است (اسلامی، ۵ مرداد ۱۳۹۲). در نتیجه، می‌توان گفت، دیپلماسی رسانه‌ای فرهنگی جمهوری اسلامی در قالب ایران‌شهری به خوبی توانایی جذب مردم کرد، به علت اشتراکات فرهنگی را داشته است.

در عین حال، بهره‌گیری از پیوندهای فرهنگی در قالب برنامه‌های موسیقی و نیز جذابیت زبان فارسی با عنایت به علاقه‌ی شدید کردهای عراقی به موسیقی ایرانی و زبان فارسی نیز قابل توجه است و در ادامه‌ی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی می‌بایست نگریسته شود. در این میان، برگزاری هفته‌ی فرهنگی ایران و اقلیم کردستان عراق، یکی از مهم‌ترین اهداف فرهنگی در پیوند میان طرفین است. در پی حضور زیاد بازرگانان ایرانی در کردستان عراق فضای استقبال از زبان فارسی و نیز تولیدات فرهنگ ایران دیده می‌شود. در کنار این، رشته‌ی زبان فارسی در دانشگاه صلاح‌الدین واقع در اربیل، از سال ۱۹۹۸ دایر شده است. در دانشگاه شهر کوی‌سنجق نیز زبان فارسی تدریس می‌شود (طاهری، ۱۶ اوت ۲۰۱۱). دانشگاه سلیمانیه نیز اقدامات برای راه‌اندازی کرسی زبان فارسی و ایران‌شناسی را در دست اجرا دارد.

در زمینه‌ی موسیقی ایرانی نیز، با توجه به اشتراکات فرهنگی و آداب و سنن و تاریخ مشترک میان ایران و مناطق کردنشین شمال عراق، اهالی منطقه کردستان عراق تمایل زیادی به ارتباطات فرهنگی و هنری با ایران داشته و معمولا از گروه‌های هنری ایرانی که به این منطقه می‌روند، استقبال می‌کنند. موسیقی‌دانان کرد ایرانی چون گروه کامکارها و شهرام ناظری و نیز همایون شجریان در کردستان عراق از محبوبیت زیادی برخوردار هستند و شماری از این هنرمندان برنامه‌های کنسرت متعددی در شهرهای کردستان عراق برگزار می‌کنند (طاهری، ۱۶ اوت ۲۰۱۱). این دو بخش زبان و موسیقی ایرانی و فارسی، از عوامل عمده‌ی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در اقلیم کردستان عراق و نیز عامل جذب کردها به فرهنگ ایرانی و بازگشت به ریشه‌های فرهنگی مشترک و درونی‌کردن آن‌ها است.

۳ـ۳. دیپلماسی مذهبی نسبت به کردها

بخش دیگری از دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در اقلیم کردستان عراق، به دیپلماسی فرهنگی مذهبی مربوط است. کردهای شیعی که غالباً در اصطلاح محلی با عنوان کردهای فیلی نامیده می‌شوند به شکل عمده در استان دیالی، به‌ویژه در منطقه خانقین و محله‌ی عقدالاکراد در بغداد زندگی می‌کنند. در گذشته رفت و آمدشان به ایران زیاد بوده است، به همین دلیل به زبان فارسی، عربی و ترکی آشنا هستند. این طایفه با عنوان اتحاد اسلامی کردهای فیلی عراق در صحنه سیاسی عراق پس از صدام فعالیت دارند (جعفریان، ۱۳۸۶: ۲۷) و (جعفریان، ۱۳۸۷: ۳۹۰). پس از سقوط رژیم بعث، این گروه

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

بر هویت شیعی و کردی خود بیشتر تاکید نمودند، اما هویت مذهبی را در اولویت دارند.

از این رو می‌توان عنوان نمود کردهای شیعه هنوز هم به ایرانی بودن و نزدیکی به شیعیان ایران احساس تعلق خاصی دارند. با توجه به فلسفه وجودی جمهوری اسلامی ایران که بر مبنای آن رهبریت شیعیان جهان بر عهده ایرانیان است، سیاست خارجی ایران توجه خاصی به این جمعیت از شیعیان داشته و دارد. برای نمونه، پس از ظهور داعش در عراق ۲۰۱۴ نیروهای مردمی شیعه موسوم به حشد الشعبی برای مقابله با این گروه تروریستی ایجاد شد. این گروه به‌طور خاص با حمایت‌های ایران توانسته است به نفوذی قابل توجه در میان کردهای فیلی عراق از جمله در شهرهای خانقین، کلار، کفری و طوزخورماتو دست یابد. اکنون بیش از هزارن جوان کرد شیعی در صفوف حشد الشعبی در عرصه مبارزه با گروه تروریستی داعش فعال هستند (خبرگزاری تسنیم، ۲۱ تیر ۱۳۹۴). توانایی جمهوری اسلامی در بهره‌گیری از سیاست‌های اشتراک مذهبی با فیلی‌ها به عاملی بدل شد که آنها به مخالفان سرسخت رفراندوم استقلال کردستان در میان کردهای عراق بدل شدند. در همین راستا، حیدر هشام الفیلی، رئیس کمیته‌ی کردهای فیلی در شورای استان واسط در شرق عراق، روز ۲۷ ژوئن ۲۰۱۷، از مخالفت فیلی‌ها با همه‌پرسی و جدایی احتمالی خبر داد. او گفت: «اعلام همه‌پرسی در اقلیم کردستان عراق شامل فیلی‌ها نمی‌شود زیرا همه‌پرسی ماهیت جغرافیایی دارد. مخلص کلام این‌که هرگونه رفراندوم محدود به اقلیم کردستان عراق خواهد بود؛ حتی اگر دولت اقلیم طور دیگری اظهار کند» (معموری، ۲۶ تیر ۱۳۹۶). لذا، این رویکرد تاریخی کردهای فیلی، می‌تواند به عاملی جهت بهره‌گیری ایران از صداهای مخالف آن‌ها، جهت فشار بر اقلیم بدل نماید.

٤ـ دیپلماسی فرهنگی ایران نسبت به اعراب شیعی و سنی در عراق

بخش مهم دیگری از دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق، به مناطق غیر کردنشین، یا مناطق عربی آن مربوط است، که در چارچوب رویکرد نظری مقاله مورد بحث قرار خواهد گرفت. ایران و عراق را، از يك سو سوابق مشترك تاريخي و فرهنگي و از سوي ديگر اشتراكات مذهبي به هم پيوند داده است. لذا با عنايت به اين امر كه قوي ترين اهرم ايران براي نقش‌آفرينی و تأثيرگذاری در امور عراق، آئين تشيع است. ايران با آگاهی از اين موضوع كه نزديک به شصت درصد مردم عراق شيعه هستند، مايل به استفاده از اين برگ برنده به‌واسطه روابط سنتی ايجاد شده با شيعيان عراق است (ملكی و رازقندی، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

در حوزه‌ی فرهنگی، به مانند بخش مربوط به کردها، زبان فارسی یکی از رشته‌های اصلی پیونددهنده‌ی دیپلماسی فرهنگی ایران با عراق، حتی در بخش‌های عربی است. زبان فارسی از دیرباز حضور محسوس

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

در عراق داشته و در دوره‌های مختلف تاریخی می‌توان ردپای زبان فارسی را در سرزمینی که امروزه عراق خوانده می‌شود، یافت. زبان فارسی در طول تاریخ به روش های گوناگون به این کشور نفوذ کرده است. هجرت‌های دو جانبه خانواده‌های ایرانی و عراقی و نیز وابستگی دو طرف در نجف اشرف عاملی مهم در فراگرفتن زبان فارسی است. (بیکی، ۱۳۸۹ :۲۳۹). در جنوب کشور عراق نیز گروهی از شیعیان عراقی فارسی زبان هستند که با ایران روابط استواری دارند که این روابط تاکنون هرگز گسسته نشده است (مار، ۱۳۸۰ :۳۱). خیل عظیمی از نوجوانان و جوانان عراقی در حال فراگیری زبان فارسی هستند و آن را به‌عنوان زبان دوم جایگزین انگلیسی کرده‌اند (سنائی و عبداله پور، ۱۳۸۸: ۱۷۷). هم‌چنین، از ویژگی‌های بارز حوزه علمیه نجف اشرف، فارسی بودن آن می‌باشد. زیرا اکثر طلاب آن از ایران، پاکستان، افغانستان و هند می‌باشند، که در نتیجه به زبان فارسی تسلط کامل دارند (پارساپور، ۱۳۸۹: ۵۳). زبان فارسی، ابزار اصلی ارتباطی در دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق و میان اعراب نیز به حساب می‌آید، چرا که انتقال پیام به زبان نیاز دارد و غنای زبان فارسی، نه‌تنها به گسترش آن کمک می‌کند، بلکه پیامد دیپلماسی فرهنگی را نیز به زبان اصلی تولیدکننده این دیپلماسی، یعنی جمهوری اسلامی انتقال می‌دهد.

در عین حال، برنامه‌هاي تبادل آموزشي و همكاري‌هاي علمي، بخشي از راهبرد اعمال قدرت نرم به‌شمار مي‌آيد. تماس‌هاي فرهنگي بدون شك تأثير زيادي در مبارزه با احساسات منفي درباره يك كشور خواهند داشت. مبادلات علمي و دانشگاهي (استاد و دانشجو) برپايي تئاترها و كنسرت‌ها، نمايشگاه‌هاي مختلف، برگزاري مسابقات مختلف بين‌المللي و ورزشي، تبادل ورزشكار و ... از جمله موارد اثرگذار در ديپلماسي فرهنگي به شمار مي‌روند. بر همين اساس، بايد توجه داشت كه مؤسسات آموزشي و دانشگاهي ايراني كه پذيراي محصلان كشورهاي اسلامي و خصوصاً عراقي هستند سهم قابل‌توجهي را در اين زمينه برعهده دارند و هر ساله تعدادي از دانشجويان عراقي از كرد و عرب و ديگر اقليت‌هاي مذهبي براي ادامه تحصيلات وارد ايران مي‌شوند.درکنار مراكز آموزشي دانشگاهي، مؤسسات مذهبي نيز پذيراي خيلي از دين‌پژوهان و تحصيل‌كنندگان حوزوي هستند. به‌عنوان نمونه عمده دانشجويان دانشگاه بين‌المللي جامعه المصطفي از كشورهاي همسايه و شيعه‌نشين به‌ويژه عراق هستند (احمدی و موسوی، ۱۳۸۹: ۱۲). بيشترين درصد دانشجويان دانشگاه بين‌المللي آل‌البيت نيز مربوط به كشور عراق است كه نزديك به ۲۰ درصد دانشجويان اين دانشگاه را تشكيل مي‌دهند (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۷۷۲ـ۱۷۱). اين روند، زمينه را براى ايجاد فضاى توسعه‌ى نفوذ ايران در ميان جامعه عراقى فراهم نموده و عامل توجه گسترده‌ى گروه‌هاى مختلف عراقى به تحصيل در دانشگاه‌هاى ايرانى، به علت جذابيت و اشتراكات فرهنگى، قيمت مناسب

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

تحصیل، وجود بورس‌های تحصیلی فراوان و ... بوده است.

علاوه‌بر موارد فوق، می‌توان بسترهای دیگری را برای دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق در نظر آورد.

۱-۴. دیپلماسی فرهنگی از مسیر سفارت‌خانه‌ها و انجمن‌های دوستی

در بعد نرم و مرتبط با رویکرد دیپلماسی فرهنگی کشور، جمهوری اسلامی ایران نفوذش را از طریق سفارت خود در بغداد و کنسول‌خانه‌هایش در بصره، کربلا، اربیل و سلیمانیه اعمال می‌کند. سفارت‌خانه هر کشوری، عامل اصلی تعیین و تعریف سیاست‌های مختلف آن کشور، خصوصاً سیاست‌های فرهنگی‌اش می‌باشد. در این راستا، جمهوری اسلامی به علت پیوندهای غنی با عراقی‌ها و خصوصاً بخش عربی، از خود آنها نیز برای قرارگیری در سفارت بهره برده است. به‌عنوان مثال، هر دو سفیر پیشین ایران در عراق ـ حسن کاظمی‌قمی[1] و حسن دانایی‌فر[2]، متولد عراق هستند، اما خانواده‌های‌شان توسط صدام حسین اخراج شده‌اندـ و در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی[3]، شاخه قدس خدمت می‌کردند. همین عامل، یکی از دلایل پیوند نزدیک ایران و عراق و اعتماد عراقی‌ها به ایران در کشورشان بود. اما نفوذ و قدرت ایران در عراق به این امور محدود نمی‌شود، چرا که این کشور پس از ۲۰۰۳ به نیرومندترین بازیگر میدانی تحولات عراق بدل شده است و تأثیر زیادی در تحولات عراق دارد(Eisenstadt, Knights and Ali, 2011: 3-4). به سخن‌دیگر، عراق عرصه واقعی سرریزی رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای است که ایران دست بالا را در رقابت داشته و به عنوان قدرت بزرگ منطقه‌ای نیز قابل خوانش است.

در این میان، رایزنان فرهنگی ایران در کشورهای مختلف و از جمله عراق با بهره‌گیری از انجمن‌های دوستی، نهادهای مدنی و غیردولتی در حال پیگیری دیپلماسی فرهنگی ایران در خارج از کشور هستند، که هدف آن‌ها نیز تحکیم روابط دوستانه بین مردم دو کشور و نیز پیشبرد اهداف مشترک دو ملت است که بدین لحاظ یکی از منابع مهم دیپلماسی برای کشور محسوب می‌شوند. انجمن دوستی ایران و عراق، یک مؤسسه غیردولتی و غیرانتفاعی مردم نهاد است که، ضمن رعایت قوانین جمهوری اسلامی ایران و طبق اساس نامه، فعالیت خود را در سطح ملی و بین المللی دنبال می‌نماید. اعضای این انجمن را اغلب فرهیختگان علمی و فرهنگی، سیاستمداران، دانشگاهیان و اصحاب هنر و قلم که عموماً آشنا به مسائل عراق و دوستدار این کشور می‌باشند، تشکیل می‌دهند. تحکیم و گسترش روابط فرهنگی و دوستانه بین مردم دو کشور جهت پیشبرد اهداف مشترک در زمینه‌های فرهنگی، علمی، ادبی، هنری، آموزشی،

1. Hassan Kazemi-Qomi
2. Hassan Danaifar
3. Islamic Revolutionary Guard Corps' (IRGC)

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

اقتصادی، اجتماعی، ورزشی و رسانه‌ای هدف این انجمن می‌باشد. باید اذعان داشت که فعالیت‌های انجمن دوستی ایران و عراق زمینه‌های همکاری دوجانبه را افزایش می‌دهد و بر تحکیم روابط دو کشور تأثیر مثبتی دارد و میزان همبستگی‌های سیاسی و فرهنگی را ارتقاء می‌دهد و در نتیجه نفوذ ایران در کشور عراق فزونی می‌یابد. برگزاری ضیافت‌ها، مهمانی‌ها و مراسم گوناگون توسط انجمن دوستی، می‌تواند به تصویرسازی مثبت از ایران تأثیر گذاشته و اخبار جمهوری اسلامی ایران را دائماً در رسانه‌های بین المللی زنده نگاه دارد که همین امر، جمهوری اسلامی ایران را کشوری فعال و پویا در عرصه دیپلماتیک معرفی می‌کند(جعفری و نیک‌روش، ۱۳۹۴). این مراسم‌ها، نفوذ فرهنگ را در چارچوب پیامی ساده و صلح‌آمیز به شکل حداکثری و حتا نیرومندتر از قدرت سخت منتشر می‌کند.

لذا، نقش سفارت‌خانه و نیز انجمن دوستی ایران و عراق در روابط میان دو طرف بسیار گسترده است. این دو نهاد دارای کارکرد ایجابی در مسیر دیپلماسی فرهنگی بوده و عامل اصلی پیشبرد این حوزه از نفوذ به حساب می‌آیند. ایران دارای چندین دفتر کنسولی در مناطق شیعی، سنی و کردنشین عراق است و از همه‌ی آنها برای پیشبرد اهداف بلندمدت خود بهره می‌گیرد.

۲-۴. دیپلماسی فرهنگی از مسیر رسانه

دیپلماسی فرهنگی از مسیر رسانه، که خود به نوع جدیدی از دیپلماسی (دیپلماسی رسانه‌ای) تبدیل شده است، دارای کارکرد بسیار زیادی در عصر ارتباطات نرم است. در همین راستا، دیپلماسی رسانه‌ای ایران در عراق مطرح می‌شود. دیپلماسی رسانه‌ای کشور چند متولی دارد، ولی اصلی‌ترین آن‌ها، سازمان صداوسیماست. فعالیت‌های این سازمان در کنار نهادهای دیگری همچـون وزارت فرهنگ و سازمان تبلیغات اسلامی، با هدف جلب آرای مثبت مردم عراق، دچار نوساناتی بوده، اما در پیروی برخی خطوط کلی، مشی ثابتی را طی کرده است(Tideman, 2015: 6). محتوای پیام‌های ارسالی رسانه‌های ایرانی به عراق، نشان می‌دهد که به دنبال ایجاد وحدت در میان جامعه‌ی چندپاره همسایه بوده‌اند و منافع خود را در حوزه نفوذ در عراق، از این مسیر پیگیری نموده‌اند. تحلیل محتوای برنامه‌های العالم نشان می‌دهد که پس از سال ۲۰۱۱، تمرکز آن بر حوادث بحرین، یمن و سوریه، به سود دولت قانونی آنها بوده است و همین مسئله طبیعتاً باعث جلب شـیعیان و افت مخاطبان سنی آن می‌شود. در مجموع می‌توان العالم را رسانه‌ای پرنفوذ در جهان عرب به‌طور اعم و عراق به‌طور اخص برشمرد(رحمانی و شمس‌آبادی، ۱۳۹۸: ۸۷).

این شبکه روزانه در ۳۶ بخش کوتاه و مشروح خبري همراه با تحليل و گزارش، رويدادهاي مهم بين‌المللي را به اطلاع بينندگان خود مي‌رساند و برخي مسائل تأثيرگذار جهان اسلام از جمله موضوع‌هاي

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

مرتبط با مسائل کشورهاي عراق، فلسطين و لبنان را بيشتر پوشش مي‌دهد. هم‌چنين، پايگاه اطلاع‌رساني اينترنتي العالم، خبرهاي اين شبکه را به سه زبان عربي، انگليسي و فارسي براي مخاطبان خود در تمام نقاط جهان بيان می‌دارد(تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۴۰ ـ ۳۸).

هم‌چنین دو شبکه عراقی نیز در راستای دیپلماسی رسانه‌ای ایران فعالیت می‌کنند که عبارت‌اند از االتجاه و الغدیر. اما پرمخاطب‌ترین رسانه‌ی غیرایرانی که در پازل دیپلماسی رسانه‌ای ایران قرار دارد، «المیادین» است. المیادین شبکه‌ای است با دست‌اندرکاران عرب، باسابقه حضور در شبکه‌های بزرگ عربی همچون الجزیره و مقر آن در بیروت است. تحلیل محتوای برنامه‌های این خبرگزاری، نشان از تلاش آن در راستای ایجاد وحدت در عراق دارد(رحمانی و شمس‌آبادی، ۱۳۹۸: ۸۷). این شبکه‌ها عامل کلیدی در جذب بخش‌های مختلف جامعه عراقی به دیپلماسی فرهنگی ایرانی، به علت انطباق اخلاقی برنامه‌های تولیدی ایرانی با جامعه‌ی مذهبی عراق هستند.

در حوزه روزنامه‌ای نیز فعالیت‌هایی هرچند محدود انجام می‌گیرد. روزنامه در ایران گرچه سابقه‌ای دیرینه دارد، ولی تعداد روزنامه‌های ایران امروزه در مقایسه با کشورهای منطقه چندان زیاد نیست. بین روزنامه‌های ایرانی، تنها روزنامه‌ی «الوفاق» به زبان عربی منتشر می‌شود و بررسی‌های انجام گرفته نشان می‌دهد که تیراژ پایین این روزنامه در کنار انتقال تمرکز خوانندگان بـه نسل جدید رسانه‌ها، باعث ناشناخته‌ماندن آن در جامعه عراق شده است. به‌طور خلاصه، روزنامه در دیپلماسی رسانه‌ای ایران در عراق، چندان مورد توجه نیست(رحمانی و شمس‌آبادی، ۱۳۹۸: ۸۶) و هرگز از جایگاهی که رسانه‌های دیداری برخوردارند، بهره‌مند نبوده است. در این میان، تلاش برای تمرکز و توجه به شبکه‌های اجتماعی جدید و توسعه‌ی نفوذ در این شبکه‌ها در عصری که رسانه‌های کلاسیک فرهنگی در حال رنگ‌باختن هستند، ضروری است. در آشوب‌های جاری در عراق نیز عدم حضور نیرومند ایران در این بخش از رسانه‌ها که عامل تهییج عراقی‌ها بود، به خوبی آشکار شد.

۳-۴. دیپلماسی فرهنگی از مسیر مذهب

تبدیل‌شدن دین و مذهب به یک ویژگی کلیدی در دیپلماسی فرهنگی، صرفاً به تحولات قرن بیستم و بیست‌ویکم محدود نمی‌شود و همزاد ادیان مختلف و قدرت‌های حامی آن است. از منظر فهم نظری «دین»، مجموعه باورهای بنیادین جامعه و کنش‌های مبتنی بر آنهاست؛ «فرهنگ»، مجموعه‌ای از آداب و رسوم، اخلاقیات، اعتقادها، ارزش‌ها و نمادهایی تلقی می‌شود که از طریق جامعه‌پذیری از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند (قوام، ۱۳۸۴: ۲۹۳). دین و فرهنگ، از منابع مهم قدرت نرم هستند. وقتی

فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

فرهنگ یک کشور ارزش‌های جهانی را شامل شوند و بنیاد سیاست‌های آن را علایق و ارزش‌های مشترک جهانی تشکیل دهند، احتمال اینکه نتایج مطلوب تحصیل شود، افزایش می‌یابد (نای، ۱۳۸۹: ۵۲). فرهنگ ما شامل مجموعه‌ای از ارزش‌های ایرانی ـ اسلامی و انقلابی است که مردم ایران در آن سهیمند و مطلوبیت و جهان‌شمولی آن را باور دارند. ایرانیان به سی قرن «هنر، فرهنگ و معرفت و استمرار هویت فرهنگی خود در طول تاریخ، تأسیس نخستین دولت جهانی در بیش از ۲۵۰۰ سال پیش، سازماندهی نخستین جامعه بین‌المللی که به ادیان و فرهنگ‌های اقوام تحت حاکمیت خود احترام می‌کرد، مباهات می‌کنند (رمضانی، ۱۳۸۸: ۱۴). از این حیث، درخصوص عراق نیز باید یادآور شد که این سرزمین به‌لحاظ تاریخی و فرهنگی، ارتباطی قوی و گسترده با ایران داشته است. بین‌النهرین به مدت هزاران سال، پاره‌ای از حوزه تمدنی ایران محسوب می‌شده ست؛ ایرانیان، این سرزمین را «سورستان» می‌نامیدند (محمدی‌ملایری، ۱۳۷۵: ۵۷). به‌همین دلیل، ایران و عراق دارای مشابهت‌ها و همسانی‌های فراوانی در حوزه فرهنگی و تمدنی هستند.

بر همین اساس، در حوزه‌ی مذهبی نیز، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی از کارکرد ویژه‌ای در عراق برخوردار بوده است. به‌عنوان مثال، چنان که در مورد حوزه‌ی علمیه نجف گفته شد، حوزه‌ی علمیه قم نیز در ایران به عنوان نهاد تعلیم و تربیت دیني و در میان حوزه‌هاي علمیه‌ی اسلامي در گستره‌ی جهان، به‌خصوص در حوزه‌هاي علمیه شیعي، اهمیت به‌سزایي دارد. این حوزه با تعلیم و تربیت شخصیت‌ها و روحانیون فرهیخته، اثر و نقش چشم‌گیري در حفظ و درخشش اسلام در جهان داشته است (کمالی سرپلی، ۱۳۸۸: ۶۸). در زمینه‌ی ارتباطات و مبادلات بین دو حوزه علمیه قم و نجف می‌توان بیان نمود که حوزه‌هاي علمیه در تکمیل علوم و اطلاعات خود از یکدیگر بي‌نیاز نبودند و به این ترتیب، رفت و آمد حوزه‌ها با یکدیگر به‌عنوان یک سیره علمي متداول شده است (زهره کاشانی، ۱۳۸۸: ۶۳). بر همین اصل، از گذشته‌های دور ارتباطات قوی بین این دو حوزه برقرار بوده است و پس از ۲۰۰۳ تقویت شده است. شهرهای نجف، کربلا، کوفه، بصره و حله از شهرهای مهمی هستند که پیش‌بینی می‌شود تحولات سیاسی عمیق در عراق هنوز هم به تصمیم‌گیری ساکنان آنها بستگی تام و تمام داشته باشد. شیعیان عراق به‌طور عمده در این شهرها ساکن هستند و از دیدگاه ایران، تاریخ، مذهب و فرهنگ جنوب عراق به‌طور مستقیم در حوزه نفوذ ایران قراردارد(Abedin, 2000: 1-5)؛ وجود این شهرها با دارابودن اکثریت شیعه توانسته وزنه‌ای مناسب در تحققق طرح‌های اسلامی و شیعی مورد نظر ایران و پیروی از منویات جمهوری اسلامی ایران باشد و درراستای تحقق ارزش‌های انقلاب اسلامی به‌کارگرفته‌شود. در واقع،

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

وجود اکثریت شیعه در ایران و عراق، یک رابطه همزیستی میان نهادهای روحانی دو کشور به وجود آورده است(دکمجیان، ۱۳۷۷: ۱۱۴). ارتباطات موجود میان دو حوزه علاوه‌بر این که نقش مؤثری در گسترش زبان فارسی دارد، منجر به آشنایی طلاب با فرهنگ و حکومت ایران می‌شود. آنان از نزدیک واقعیت‌های جامعه‌ی ایران را درک می‌کنند و هنگامی که به جامعه‌ی خویش برمی‌گردند همانند مبلغ عمل می‌نمایند و می‌توانند معرف فرهنگ و جامعه ایران برای مردم کشور خویش باشند.

در کنار این موارد، مراسم اربعین، یکی از نمادین‌ترین جلوه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، در عراق است، که دارای کارکردهای جهانی است. حضور جمعیتی چند ده میلیونی بدون وقوع حادثه مهم امنیتی در کشوری با حجم عظیم شکاف‌های قومی ـ مذهبی به مدیریت ایران، می‌تواند با بکارگیری یک دیپلماسی هوشمندانه به عنوان نوعی از الگوی امنیتی، مدنظر قرار گیرد، که کارکردهای فرهنگی زیادی را به بار می آورد. نکته مهم در امنیت این مراسم، واگذاری اکثر امور به مردم و نهادهای مردمی و در نتیجه افزایش مشروعیت و مقبولیت آن است. این مسئله همچنین ارتباط وثیقی با هدف اصلی این مراسم که نشان‌دادن همبستگی و اتحاد جهان تشیع با سایر مسلمین است، دارد. خود این هدف، از وجوه سخت امنیت کاسته و بر وجوه نرم آن می‌افزاید و جنبه‌ی فرهنگی نوین دیپلماسی را تقویت می‌کند(مرادی، ۱ آذر ۱۳۹۵). لذا، اگر به پیاده‌روی اربعین به عنوان میراثی سنتی میان شیعیان توجه شود، علاوه‌بر نشان‌دادن بنیان‌های مردمی این مذهب، تا حدودی البته کمتر از مراسم‌های دیگر چون حج می توان از ظرفیت فرهنگی آن نیز بهره جست. در این راستا، وجود مولفه امنیت در این مراسم و کمک‌های ایران برای تامین این امنیت، به نوعی سبب ارتقاء وجهه ایران شده است.

۵. دیپلماسی فرهنگی ایران با رویکرد محور مقاومت در عراق

یکی از مهم‌ترین محورهای دیپلماسی فرهنگی ایران در خاورمیانه را فرهنگ و ادبیات مقاومت در چارچوب ایده‌ی محور مقاومت شکل می‌دهد. بسترهای این کنش بسیار پیش‌تر از ظهور داعش شکل گرفته بود و داعش تنها یک فرصت مناسب برای عملیاتی‌سازی و معرفی نیروهای حشد شعبی در قالب خط تداوم محور مقاومت بود.

دیپلماسی فرهنگی محور مقاومت در عراق با یک هدف کاملاً فرهنگی شکل گرفت. بدین معنا که در نتیجه‌ی ظهور داعش و تهدید اماکن فرهنگی ـ مذهبی تشیع در عراق، گروه‌هایی پراکنده و بعدها منظم خود را مدافع عراق و مراکز مقدس شیعیان در مقابل داعش معرفی کردند(MIGRI, 2015: 3)

فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

که بعداً تحت نام رسمی و سازمانی حشد شعبی معروف شدند. رهبران حشد شعبی و نیز نیروهای آن، از گذشته‌های دور و خصوصاً پس از ۱۹۹۱، به ایران نزدیک بوده و به انحای مختلف تحت هدایت فرمانده پیشین شاخه‌ی قدس سپاه، سپهبد قاسم سلیمانی قرار داشتند.

چنان که گفته شد، به منظور مقابله با پیشروی داعش به سمت شهرهای مقدس شیعیان، به خصوص سامرا و با توجه به ناکارآمدی ارتش و نیروهای امنیتی عراقی در مقابله با کشتار غیرنظامیان توسط داعش، با فراخوان آیت‌الله علی سیستانی، مرجع عالی رتبه‌ی شیعیان در عراق، در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۴ شیعیان با سلاح‌های خود به خیابان‌ها ریخته و در این موقعیت بود که ایران آن‌ها را کانالیزه، تسلیح و سازمان‌دهی نمود. این گام، عراق را به سمت محلی‌سازی نیروها و نظامی‌سازی غیردولتی برد که ناشی از ناتوانی سیستم نظامی و امنیتی حکومتی عراق است(Duman, 2015: 7- 8). این نیروها به سرعت تحت حمایت ایران، و خصوصاً شاخه قدس سپاه قرار گرفتند و از بی‌نظمی اولیه به سمت نظم سازمانی و آموزش نظامی رفتند. این رخداد، باعث تکمیل بخش دیگری از پازل مقاومت و دیپلماسی فرهنگی ناشی از آن در خط تداوم ایران، عراق، سوریه، لبنان، فلسطین، یمن و ... شد.

جمال جعفر ابراهیم معروف به ابومهدی المهندس[1] حشد شعبی را در میدان نبرد تا پیش از شهادت در سال ۲۰۱۹ فرماندهی می‌کرد. او در سال ۲۰۰۶، به عنوان نماینده پارلمان عراق و به اسم جمال جعفر ابراهیم از حزب الدعوه وارد مجلس شد. دو مرکز آموزشی عظیم برای حشد شعبی در کربلا و تجف وجود دارد، که هر دو کاملاً تحت کنترل مهره‌های نزدیک به ایران و قدس است. به‌علاوه، کرکوک و برخی استان‌های دیگر مراکز آموزشی حشد شعبی هستند. بنابر گزارش‌ها، نظامیان شیعه که گرد حشد شعبی شکل گرفته‌اند، به لحاظ تجهیزات نظامی و توانایی مبارزه، عملکرد بهتری از ارتش عراق دارند. این نیروها سیستم اطلاعاتی، اداری و تجهیز نظامی خاص خود را داشته که متمایز از ارتش عراق می‌باشد(حه‌بیب، ۲۰۱۵: ۳۶۱۴) و با ساختار نظامی نیروهای مقاومت در خاورمیانه که به ایران وابسته هستند، شباهت کامل دارد. آن‌ها به تدریج قدرت و جایگاه خود را در عرصه‌ی نظامی گسترش داده و در پی آن نیز به عرصه‌ی سیاست وارد شدند و اکنون تحت فراکسیون فتح، دارای ده‌ها کرسی پارلمانی هستند.

به لحاظ ترکیب، حشد شعبی مرکب از حدود ۴۰ گروه شبه‌نظامی عمدتاً شیعی است. از همان ابتدا، گروه‌های نظامی شیعی عراقی نقش قابل توجهی در حشد شعبی بازی می‌کردند(Gulmohamad,

1. Abu Mehdi al- Mohandes

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

2015). برجسته‌ترین گروه‌ها درون حشد شعبی؛ سازمان بدر[1]، گردان‌های حزب‌الله[2]، عصائب اهل حق[3]، گردان‌های امام علی[4] و گردان‌های سیدالشهدا[5] هستند که از دیگر گروه‌ها پراکنده‌تر و برجسته‌تر هستند (Duman, ۲۰۱۵). این نیرو، مهم‌ترین وزنه‌ی فرهنگی هوشمند (نرم و سخت) ایران در حوزه‌ی دیپلماسی فرهنگی عراق است که قدرت سیاسی ـ امنیتی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سرزمینی زیادی در عراق داشته و بر تحولات داخلی و نیز سیاست خارجی عراق، کنترل حدودی دارد. در مجموع، حشد شعبی بازوی به‌غایت عملیاتی دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق، با توانایی کارکردی قوی در نیل به اهداف و مطالباتی است که در چارچوب انقلاب اسلامی تولید و تعریف شده است. این نیرو، تابع مبانی و اصولی است که انقلاب اسلامی و خصوصاً سپاه پاسداران بر اساس آن شکل گرفته است.

1. Badr Organization
2. Kata’ib Hezbollah
3. Asa’ib Ahl al-Haq
4. Kata’ib al-Imam Ali
5. Kata’ib Sayyid al-Shuhada

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

نتیجه‌گیری

با عنایت به آنچه گفته شد، در رویکرد کلی ایران به عراق در چارچوب دیپلماسی فرهنگی از ۲۰۰۳ تا به امروز، دو روند کلی حاکم است. روندی که تمرکز خود را بر بخش کردنشین عراق قرار داده است و تلاش نموده خودآگاهانه یا ناخودآگاهانه در مسیر دیپلماسی فرهنگی ایران‌شهری با توجه به زمینه‌های ایرانی مشترک دو فرهنگ در جغرافیای تاریخی ایران به توسعه روابط بپردازد. در این چارچوب، ایران‌شهر عامل تقویت روابط دو طرف و خصوصاً نفوذ ایران در میان کردها، به شکل نرم و فرهنگی است. این دیپلماسی فرهنگی از رسانه، موسیقی، زبان، جذابیت‌های فرهنگی و هنری در کنار مذهب برای نفوذ در میان کردها بهره می‌برد.

در روند دیگر نیز، دیپلماسی فرهنگی ایران بر انسجام عربی ـ عراقی با تمرکز بر غلبه نفوذ شیعیان قابل پیگیری است. در این روند، جمهوری اسلامی در بعد فرهنگی، عراق را به‌عنوان یک پکیج عربی می‌نگرد، که در بستر روابط و اشتراکات تاریخی می‌تواند به تعامل و نفوذ بپردازد. در این مسیر، روابط مبتنی بر قدرت رسانه، نفوذ مذهبی و نیز پیوندهای هنری و آکادمیک در اولویت قرار گرفته است. با وجود ضعف‌هایی که قابل مشاهده است، اما کلیت دیپلماسی فرهنگی ایران نسبت به عراق از ۲۰۰۳ تا به امروز، از نوعی نفوذ حکایت دارد، تا حدی که ایران را به بازیگر اصلی در عراق بدل نموده و زمینه را برای اعمال نفوذ فرهنگی بر جامعه‌ی عراقی فراهم آورده است. در این مسیر، قدرت ایران به میزانی رسیده که نیروهای مهمی چون حشد شعبی را در راستای محور مقاومت در عراق سازمان داده است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

منابع

فارسی

احمدی، سید عباس و موسوی، الهام سادات (۱۳۸۹)، جغرافیای شیعه و فرصت‌های ایران در قلمروهای شیعی در جهان اسلام، در مجموعه مقالات چهارمین کنگره‌ی بین‌المللی جغرافی‌دانان جهان اسلام، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

احمدی، عباس (۱۳۹۰)، ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپلیتیک شیعه، تهران، اندیشه‌سازان نور.

بیکی، مهدی (۱۳۸۹)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی لبنان،تهران، دانشگاه امام صادق(ع).

پارساپور، روزبه (۱۳۸۹)، نقش ایران و عراق در تأمین امنیت خلیج فارس، ماهنامه خلیج‌فارس و امنیت، سال دهم، شماره ۱۰٤.

جعفری، علی‌اکبر و نیک‌روش، ملیحه (بهار و تابستان ۱۳۹٤)، منابع فرهنگیِ قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق نوین، فصلنامه‌ی قدرت نرم، دوره ۵، شماره ۱۲.

جعفریان، رسول (۱۳۸٦)، تشیع در عراق، مرجعیت و ایران، ، تهران: موسسه مطالعاتی تاریخ معاصر ایران.

جعفریان، رسول (۱۳۸۷) اطلس شیعه ، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

چامسکی، نوام (۱۳۸۹)، دولت‌های فرومانده، مترجم اکرم پدرام‌نیا، تهران، نشر افق، چاپ دوم.

دکمجیان، هرایر (۱۳۷۷)، اسلام در انقلاب جنبش‌های در جهان عرب، ترجمه‌ی حمید احمدی، تهران، انتشارت کیهان.

رحمانی، منصور و شمس‌آبادی علی (بهار ۱۳۹۸)، بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی رسانه‌ای ایران و ترکیه در عراق پساصدام، راهبردهای سیاسی و بین‌المللی، سال دهم، شماره ۳، پیاپی ۵۷.

رمضانی، روح‌الله (۱۳۸۸)، درک سیاست خارجی ایران، فصلنامه‌ی روابط خارجی، شماره ۱، بهار.

زهره کاشانی، علی اکبر (۱۳۸۸)، تاریخ حوزه علمیه قم از تأسیس تا سده چهارم: تحلیلی بر زمینه‌ها و عوامل پیدایش و شکوفایی، فصلنامه تربیت اسلامی، سال چهارم، شماره ۸.

سنائی، اردشیر و عبداله‌پور محمد رضا (۱۳۸۸)، رویارویی ایران و آمریکا: رقابت در عرصه قدرت نرم و سخت، فصلنامه دانشکده علوم سیاسی واحد تهران مرکزی، سال دوم، پاییز، شمارگان هشتم و نهم.

فیلد، هنری (۱۳٤۳)، مردم شناسی ایران، مترجم عبدالله فریار، تهران، کتابفروشی ابن سینا.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸٤)، فرهنگ: بخش فراموش‌شده یا عنصر ذاتی روابط بین‌الملل، فصلنامه‌ی سیاست خارجی، سال نوزدهم، شماره ۲، تابستان.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۸)، روابط بین الملل: رویکرد ها ونظریه ها، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم.

کمالی سرپلی، عبدالقادر (۱۳۸۸)، سیرتاریخی پیدایش حوزه‌های علمیه، سخن تاریخ، شماره ۷.

مار، فب (۱۳۸۰)، تاریخ نوین عراق، ترجمه‌ی محمد عباسپور، مشهد، بنیان پژوهش‌های اسلامی.

محمدپور، سعید (۱۳۸۳)، تاثیر عملیت‌های نامنظم قرارگاه رمضان در جنگ تحمیلی، فصلنامه سیاست دفاعی، سال دوازدهم، شماره ٤۷.

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

محمدی ملایری، محمد (۱۳۷۵)، تاریخ و فرهنگ ایران در دوره‌ی انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، تهران، نشر توس.
ملکی، محمد رضا و رازقندی، انسیه (۱۳۹۰)، دیپلماسی عمومی و دولت احمدی‌نژاد: بازی در سطح خرد در خاورمیانه، فصلنامه علوم سیاسی، پاییز، شماره ۱۶.
منتی، ایوب و هادیان، ناصر (پاییز و زمستان ۱۳۹۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق از منظر موازنه تهدید (۲۰۰۳–۲۰۱۸)، دوفصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۷، شماره ۱۵.
نای، جوزف (۱۳۸۹)، قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق، چاپ سوم.

انگلیسی

Abedin. Mahan (2002), Iranian views on regime change in Iraq, Jointly published by united state committee for a free lebanan and the Middle East forum.vol.4.no 11.

Alfoneh, Ali (August 3, 2017), Iran-Backed Popular Mobilization Forces Preparing for Post-Islamic State Iraq, The Middle East Institute. At: https://www.mei.edu/publications/iran-backed-popular-mobilization-forces-preparing-post-islamic-state-iraq

al-Khoei, Hayder (2013), Iraq and Iran, in Iraq Ten Years On, Chatham House (The Royal Institute of International Affairs).

Baylis, John; Smith, Steve and Owens, Patricia (2005). The Globalization of World Politics: An Introduction to International Relations, Oxford University Press.

Biersteker, Thomas J. and Weber, Cynthia (1996). State Sovereignty as Social Construct. Cambridge. Cambridge University Press.

Coles, Isabel and Lucey, Catherine (Jan. 6, 2020), Trump Pushes Iraq, Threatens Sanctions After Vote to Expel U.S. Troops, The Wall Street Journal. At: https://www.wsj.com/articles/iraqi-parliament-votes-in-favor-of-expelling-u-s-troops-11578236473

Daily Telegraph (1 October 2014), Iraq crisis: Iran pledges military help against ISIL as battle for Tikrit escalates. At: https://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iraq/10933934/Iraq-crisis-Iran-pledges-military-help-against-Isis-as-battle-for-Tikrit-escalates.html

Danilovich, Alex (2017), Iraqi Kurdistan in Middle Eastern Politics, Routledge.

Duman, Bilgay (2015). A New Controversial Actor in Post-ISIS Iraq: al-Hashd al-shaabi. ORSAM Report No: 198.

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

Eisenstadt, Michael (2015). Iran and Iraq. The Washington Institute for Near East Policy. Available at: http://www.washingtoninstitute.org.

Eisenstadt, Michael and Knights, Michael and Ali, Ahmed (2011). Iran's Influence in Iraq: Countering Tehran's Whole-of-Government Approach. Washington Institute for Near East Policy. Policy Focus 111. Pp 3-4.

Geranmayeh, Ellie (2017), ECFR, state islamic the against strategy, ECFR Council. At: https://www.ecfr.eu/article/commentary_irans_strategy_against_the_islamic_state320

Guzzini S. (2000). A reconstruction of constructivism in International Relations. European Journal of International Relations. Vol. 6. No 2.

Hudson, Valerie M. (2007). Foreign Policy Analysis Classic and Contemporary Theory. Lanham, MD: Rowman & Littlefield Publishers.

Hult, F.M. (2015). Making policy connections across scales using nexus analysis. Research Methods in Language Policy and Planning: A Practical Guide (First Ed.). Chichester, West Sussex: Wiley.

Johnson, David W.; Johnson, Roger T. (2000). Civil political discourse in a democracy: The contribution of psychology. Peace and Conflict: Journal of Peace Psychology. 6 (4): 291–317.

Katzman, Kenneth and Humud, Carla E. (2015). Iraq: Politics and Governance. Congressional Research Service. Available at: www.crs.gov.

Kirkpatrick, David D. (Jan. 4, 2020), Conflict with Iran Threatens Fight against ISIS, the New York Times. At: https://www.nytimes.com/2020/01/04/world/middleeast/conflict-with-iran-threatens-fight-against-isis.html

Mark S. A (2009). Greater Role for Cultural Diplomacy. Discussion Paper.

McNamara, Kathleen R. (1999). The Currency of Ideas: Monetary Politics in the European Union. Ithaca. NY. Cornell University Press.

Moore, Jack (5 March 2015), Iranian Military Mastermind Leading Battle to Recapture Tikrit from ISIS, Newsweek. At: https://www.newsweek.com/iranian-military-mastermind-leading-battle-recapture-tikrit-isis-311516

Nasri, Ghadir & Salimi, Arman (Winter 2013), The Politics of Kirkuk: Policy Implication for Iran, Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 3, No. 4.

Schmidt, Oliver (2003). Small Atlantic World: U.S. Philanthropy and the Expanding

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

International Exchange of Scholars after 1945. In Jessica C.E. Gienow-Hecht and F. Schumacher eds., Culture and International History. New York: Berghahn Books, 115-134.

Spencer, Claire, Kinninmont, Jane and Sirri, Omar (May 2013), Iraq Ten Years On, Chatham House (The Royal Institute of International Affairs(

Stanton, Wortham, Deoksoon, Kim; May, Stephen, eds. (2017). Discourse and Education. Cham: Springer International Publishing. At: https://doi.org/10.1007%2F978-3-319-02243-7

Tannenwald, N (2005). Ideas and Explanation: Advancing the Research Agenda. Role of Ideas and the End of the Cold War. Special Issue. The Journal of Cold War Studies. Vol. 7. No 2.

The Culture of National Security (1996). New York. Columbia University Press.

The European Refugee Fund participates in funding the project (2015), Security situation in Baghdad - the Shia militias, Finnish Immigration Service. Country Information Service. Available at: www.migri.fi

Tideman, Anna (2015), IRI Broadcasting: Public Diplomacy or Propaganda, al Nakhlah Journal.

Torfeh, Masoume (2016), The Role of Iran's Media in Its Soft Power Policy, Aljazeera Center for Studies.

Villanueva Rivas, César (2010). Cosmopolitan Constructivism: Mapping a Road to the Future of Cultural and Public Diplomacy. Public Diplomacy Magazine. Accessed at http://www.publicdiplomacymagazine.com/cosmopolitan-constructivism-mapping-a-road-to-the-future-of-cultural-and-public-diplomacy/ (March 20, 2016).

W. Kagan, Frederick, Majidyar, Ahmad and Pletka, Danielle (2012). Iranian influence in the Levant, Egypt, Iraq, and Afghanistan. The Institute for the Study of War. Available at: http://www.understandingwar.org/report/iranian-influence-levant-egypt-iraq-and-afghanistan

Wehrey, Frederic & et…al (2010), The Iraq Effect: The Middle East After The Iraq War, Prepared for the United States Air Force, Approved for public release; distribution unlimited.

Wood, Callum (September 14, 2015). Iran-Iraq Relations Cooling. Available at: https://www.thetrumpet.com/article/13106.2.0.0/middle-east/iran/iran-iraq-relations-cooling.

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

کردی

عەبدوللا حەمە کەریم، هێرش (۲۰۱۳)، پەیوەندییە سیاسییەکانی نێوان هەرێمی کوردستان و دەڵەتانی دراوسێ ئێران و تورکیا و سوریا، سلێمانی: ناوەندی روشنبیری و هونەریی ئەندیشە.

حاجی محمود، محەمەد (۲۰۰۹)، رۆژژمێری پێشمەرگەیەک (۱۹۷۶–۱۹۹۶)، بەرگی چوارەم، سلێمانی، چاپخانەی دیلان.

حسن‌پور، امیر (می ۲۰۱۱)، گفتوگۆیەک لەگەڵ دکتۆر ئەمیری حەسەنپور سەبارەت بە گەشەپێکردنی زمانی کوردی، دەنگی آمریکا.

حەبیب، موستەفا (۲۰۱۵)، حەشدی شەعبی خۆی بۆ حوکمڕانی عێراق ئامادە دەکات، لە مالپەڕی نیقاش: http://www.niqash.org/ku/articles/politics/5067

حەبیب، موستەفا (۲۰۱۵)، میلیشیا شیعەکان لەسوپا بەهێزترین، لە مالپەڕی نیقاش: http://www.niqash.org/ku/articles/security/3614

وبسایت

جام جم آنلاین (۲ مرداد ۱۳۸۷)، ایران و عراق در مسیر توسعه مناسبات فرهنگی، قابل دسترسی در: http://www.jamejamonline.ir

معموری، علی (۲۶ تیر ۱۳۹۶)، بخشی از کردهای شیعه، مخالفان استقلال کردستان عراق، المانیتور، قابل دسترس در: http://www.al-monitor.com/pulse/fa/originals/2017/07/kurdistanindependence-referandum-shiite-feyli-kurds.html#ixzz6OWNihRl1

علیجانی، رضا (۲۵ مهر ۱۳۹۶)، ایران و کردهای عراق، بی‌بی‌سی فارسی، قابل دسترس در: http://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-41650876

اسلامی، شیدا (۵ مرداد ۱۳۹۲)، به بهانه ۱۷ سالگی سیمای کردی شبکه سحر، خبرگزاری مهر، قابل دسترس در: https://www.mehrnews.com/news/2105096

خبرگزاری پانا (۹ آبان ۱۳۹۷)، در کانال کردی شبکه سحر، قابل دسترس در: http://www.pana.ir/news/866968

هشمند، احسان (۲۴ اسفند ۱۳۹۵)، مردی که می‌گفت «هرجا یک کُرد هست، آنجا ایران است»، سایت کردپاریز، قابل دسترس در: http://www.kurdparez.com/1395/12/24/

لقمان، مسعود (فروردین ۱۳۹۲)، گزارش نشست «زبان پارسی، وضعیت کنونی و پیشینه آن در کردستان عراق، قابل دسترس در: http://iranshahr.org/?p=16886

خبرگزاری تسنیم (۲۱ تیر ۱۳۹۴)، ساختار حشد شعبی عراق؛ تشکل نظامی مردمی، قابل دسترس در: https://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/04/21/795793

طاهری، فرح (۱۶ اوت ۲۰۱۱)، نگاهی از درون به کردستان عراق، گفتگوی شهروند با نورالدین ویسی

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]

روزنامه‌نگار آزاد از کردستان عراق، قابل دسترس در:
http://fa.shahrvand.com/2008-07-14-20-49-09/2008-07-24-20-20-26/729-2008-08-26-19-08-58
http://old.kurdpress.com/Fa/NSite/FullStory/News/?Id

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۱۰۱۰۴

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

پورعلی، پریسا؛ دهشیری، محمدرضا؛ قائدی، محمدرضا؛ خداوردی، حسن (۱٤۰۰)، «رویکردهای دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق پس از سقوط صدام» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۱، ش۱، بهار ۱٤۰۰، صص ۹۹-٦۹.

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.2.0]